

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه چهارم، ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

موضوع: فقه المشاوره/معنای مشاوره /معنای لغوی مشاوره

1- حدیث اخلاقی (لزوم انس با قرآن)

1.1- لزوم انس با قرآن و نهج البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه

توصیه‌های اخلاقی و سیر و سلوکی امروز را در محضر امام همه‌ی سالکین و عارفین و مؤمنین حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سرّ الأنبياء و المرسلین هستیم. چند کتاب را در دسترس خود داشته باشید و نه یک بار که چندین بار مطالعه کنید و در دستور کار علمی و عملی خود قرار دهید: قرآن، تاج سر ماست و اولین کتابی است که باید بخوانیم و بپذیریم و بفهمیم و راه بیفتیم. تنها کتابی که باید بدون چون و چرا بپذیریم. نهج البلاغه، صحیفه‌ی سجادیه و دعا‌های آن. حشر و نشر با این ادعیه، جان ما را پرورش می‌دهد. ما مأمور به پرورش جان هستیم؛ به خصوص که می‌خواهید با فقه مشاوره، مشاور زبردست شوید. اگر مشاور جان نداشته باشد، مشاوره‌اش جز اصطلاحات نیست. اگر می‌خواهید به مشاوره‌ی حقیقی برسید، این نکات را دقت کنید.

در خطبه‌ی ۱۵۶ نهج البلاغه، نکته‌ای دارند که بخشی بیان می‌شود:

«وَعَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ [1].»

«علیکم بکتاب الله.»

1.2- برخی از کلمات دال بر وجوب یا حرمت

بحث فقهی داریم که آیا می‌شود از برخی کلمات، تحذیر و منع یا وجوب استفاده کرد؟ افعال وجوب و تحریم، منحصر به افعال خاصی هستند؟ متداول الفاظ وجوب و حرمت، اوامر و نواهی است؛ اما برخی جمله‌ها مفید وجوب و برخی مفید حرمت هستند. کلمه‌های تحذیری مانند «ایاک» و «ایاکم»، نهی از آن استفاده می‌شود؛ حداقل نهی تنزیهی که کراهت است. کلماتی همانند «علیک» و «علیکم» که به معنای «بر شما باد»، ترجمه می‌شود، امر را می‌رساند؛ یعنی مورد تمسک خود قرار دهید؛ مانند «يُعِيدُ الصَّلَاةَ» در خیلی کلمات هست که استفاده‌ی وجوب می‌شود. کلماتی که بعد از این کلمه می‌آید، همه‌ی این جمله‌ها سفارش‌های خاص حضرت است.

و جوب انس با قرآن و مراجعه به آن

«علیکم بکتاب الله»؛ قرآن را دریابید. به سراغ قرآن بروید. جالب است که مکتوب حضرت حق یا تکوینی است، یا تدوینی. تکوینی، ولایت است و تدوینی، همین که بین ما است.

1.3- قرآن، ریسمان الهی برای بندگان

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای تمسک به کتاب الله، چند استدلال می آورد:

«فإنه الحبل المتین»؛

کتاب الله، حبل متین است. تحلیل واژه‌ها و لغت، اولین مرحله برای رسیدن به علم است. فرهنگستان عرب میان بدوی‌ها است. بر خلاف فارس که فرهنگ را در شهر می دانند. عرب بدوی، یعنی عرب صحرايي دست نخورده است و دلیل بر کمال است، نه نقص. آقا رسول الله (صلی الله علیه وآله) را هم نزد حلیمه‌ی سعدیه بردند که زبان عرب بدوی را فرا بگیرند.

1.4- ریشه‌ی لغوی واژه‌ی «حبل»

عرب‌های بادیه‌نشین، هیزم‌ها و وسایل‌شان را می آوردند که به خانه ببرند. خانه‌ها را بر بلندی می ساختند. طنابی می آوردند، تا وسایل را بالا ببرند. این طناب‌ها پهن بود. یک طرف دست کسی بود که بالا بود می گفت: تعال؛ بالا بیا. سمت دیگر به کالا متصل بود. ریسمان پهن که دو طرف دارد و کالا را از پایین به بالا می برد، می شود حبل. عرب به هر چیزی حبل نمی گوید. قرآن، ریسمانی است که سمتی دست خدا و سمتی دست مردم است. این حبل متین است؛ یعنی محکم است. این حبل متین قرآن هم بالابر است. متمسک به قرآنی شوید که بالابرنده است. اولین تمسک این است که قرائت قرآن را نهادینه کنید. هر وقت به محضر حضرت علامه حسن زاده (قدس الله نفسه الزکیه) می رفتم، می گفتند چندم ماه است؟ قبل از جواب بنده، قرآن را باز می کردند و می فرمودند چندم است! یعنی هر روز، یک جزء می خواندند.

2- خلاصه جلسه گذشته

در بحث فقه المشاوره به عنوان مشورت و مشاوره و شور رسیدیم. تجزیه و تحلیل شور را داشتیم انجام می دادیم.

3- ریشه‌ی واژه‌ی مشاوره

گفتیم به زنبور عسل، اطلاق می‌شود. به کنجاوی ای اطلاق می‌شود که عسل یاب بین درّه‌ها جستجو می‌کند. کسی که با اشاره به سمت عسل راهنمایی می‌کند به او «مُشیر» و «مُشاوَر» می‌گویند [2].

4-معنای لغوی مشاوره

برخی اصطلاحات اهل لغت در مشورت و مشاوره:

از کتاب «العین» غفلت نکنید؛ چرا که نزدیک به زمان ائمه معصوم (علیه‌السلام) است. هم واژه‌های عرفی را دارد و هم آنچه در کلمات معصومین (علیهم‌السلام) است.

در العین همین مطلب آمده است [3].

در صحاح جوهری هم آمده است [4]. این کتاب هم جزو منابع است. در بحث مشاوره به این نتیجه رسیدیم که حقیقت شرعی نداریم. دو حقیقت دیگر هست: حقیقت عرفیه و حقیقت لغویه. حقیقت لغویه در فرهنگ‌های مختلف دامنه‌اش باز است. متن دروس سال‌های قبل در سایت «مدرسه‌ی فقاها» هست؛ مراجعه کنید [5].

5-جمع‌بندی کلمات لغویین در معنای مشاوره

کل عبارات لغویین به این بر می‌گردد که دو استفاده از لغت «شور» داریم:

یک. در «شور»، کنجاوی و کشف مجهول و امر مبهم، جزو حقیقت شُور و مشاوره است. در مشاوره‌ی اصطلاحی هم هست که فرقی ندارد این کشف از جانب مشاور باشد، یا از جانب مُرَاجِع. مشاوره را از اولین مخلوق می‌دانیم.

مشاوره یک ضرورت است. حضرت امیر (علیه‌السلام) فرمودند: «لا ظَهِیرَ کَالْمُشَاوَرَةِ»، [6] هیچ پشتیبانی مانند مشاوره نیست. حداقل این است که انسان، مُرَاجِع را از جهل مرگب خارج می‌کند. جهل مرکب منشأ همه‌ی آسیب‌ها است. بزرگ‌ترین هنر مشاور همین است. شالوده‌ی فکری و ذهنی او را باید به هم بریزد. اگر اندیشه‌ی او را تغییر داد، رفتار او تغییر می‌کند.

دو. با توجه به اینکه شور برای زنبور عسل بوده است، می‌شود گفت نتیجه‌ی شور باید به شیرینی بیانجامد. فرهنگ جامع لغت عربی، جلد اول و دوم برای علامه شعرانی و جلد سوم و چهارم برای علامه حسن‌زاده (رحمهماالله) است. آنچنان در «مجمع البیان» تحلیل واژگان داشتند که گویا یک لغت‌شناس است.

مفهوم‌شناس، مصداق‌شناس و موضوع‌شناس باشید و حکم‌شناس باشید و مبانی حکم را استخراج کنید. این راه اجتهاد است.

پس در مشاوره کنجکاوی است و تبدیل مجهول به معلوم که در آن یک شیرینی وجود دارد. یک مشاور اگر دنبال این باشد که آسیب‌ها را نشر بدهد، با واژه‌ی مشورت مخالفت دارد. در کشف مجهول با توجه به خصوصیات زنبور عسل، زحمت هست.

6-ویژگی عملی مشاور

بعدا خواهیم رسید که مشاور باید دارای نفس قوی‌ای باشد که در خیلی از مراحل، نفسش اشراف بر مشاور داشته باشد. به لحاظ تخصصی که حتما اشراف دارند. تخصص علمی را شرط می‌دانیم و بماند، ولی باید نفسش را تقویت کند. توصیه به همه‌ی اعزهی مشاوران داریم که برای این جهت برنامه‌ریزی کنید. یکی از چیزهایی که نفس مشاور تقویت می‌شود، ارتباط با حضرت حق است. «علیکم بحبل الله المتین.»

7-تناسب واژه‌ی «شور» با «شور» و «مشاوره»

یک جهت مشاوره، تضارب آراء است. باید نسبت بین مشاوره‌ی اصطلاحی و مشاوره‌ی لغوی را بگوییم. کلمه‌ی «شور» هم در فارسی، بی‌نسبت نیست. آن قدر برخوردها زیاد شده که کشف صدای اصلی سخت است. اصطلاح «شور افتاد»، به این معنا است.

مفردات راغب، [7] مجمع البحرین، [8] صحاح [9] و العین [10] در مشاوره ملاحظه شود.

[1] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۱۴۶، خطبه ۱۵۶.

[2] الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، الجوهري، أبو نصر، ج ۲، ص ۷۰۴.

[3] العین، الخلیل بن أحمد الفراهیدی، ج ۶، ص ۲۸۰.

[4] الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، الجوهري، أبو نصر، ج ۲، ص ۷۰۴.

[5] سایت مدرسه فقهت/مدرسه فیضیه/دروس استاد عباسی خراسانی/ خارج

اصول/الفائق/۹۹/۷/۸.

- [6] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٢٦، حكمت ٥٤.
- [7] المفردات في غريب القرآن، الراغب الأصفهاني، ج ١، ص ٢٧٠.
- [8] مجمع البحرين، الطريحي النجفي، فخر الدين، ج ٢، ص ٥٥٩.
- [9] الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، الجوهري، أبو نصر، ج ٢، ص ٧٠٤.
- [10] العين، الخليل بن أحمد الفراهيدي، ج ٦، ص ٢٨٠.